



یادداشت

خرید واکسن مهمتر است یا توسعه مناطق آزاد و مزایده ۶ هزار معدن؟

صادق کار



و اخبار دردناکی در هفته های گذشته از گسترش شدید کوید ۱۹ و تعداد هم میهنانی که در اثر دست رسی نداشتن به واکسن و دارو و امکانات درمانی جان عزیزشان را از دست می دهند در رسانه ها منتشر می شود که دل هر انسانی را به درد می آورد و نمی تواند موجب خشم کسانی که این اخبار را می شنوند و می خوانند نشود. واضح است که اوضاع بسی بدتر از آن است که اخبار آن در رسانه ها منتشر می شود. برآستی ما با یک فاجعه به مراتب سنگین تر و دهشتناک تر از فجایعی مواجهیم که رژیم نالایق و فاسد تا کنون بر مردم کشور تحمیل نموده. با این وجود اما رفتار مقامات دولتی و حکومتی نشان می دهد که هنوز اولویت آنها تامین واکسن و فراهم کردن امکانات پزشکی و درمانی برای مهار این فاجعه نیست. آنها البته همه روزه دم از ساخت چند واکسن کوید ۱۹ و شروع واکسیناسیون عمومی می زنند و وعده دادن واکسن رایگان به همه عالم را می دهند، اما در عمل خبری از هیچکدام از این وعده ها نیست. گروه هایی از مردم که دستشان به دهانش می رسد به ناگزیر برای زدن واکسن به کشورهای ارمنستان، ترکیه، امارات و کشورهای دیگر می روند، اما اکثریت بزرگ مردم که استطاعت مالی ندارند، مجبورند ریسک ابتلا به بیماری را که حالا جهش نموده و مهلکتر از پیش شده را بپذیرند و در بیم و هراس زندگی کنند.

فاجعه بارتر از همه اما وضعیت مردم محروم و فقیر بلوچستان است که هر روزه کرور کرور در اثر محرومیت از امکانات پزشکی بیمار و شمار زیادی از آنان جان می بازند. در چنین اوضاعی اما مسئولین دولتی که اساسا ارزشی برای جان انسان قائل نیستند بجای تهیه واکسن و امکانات پزشکی و در اولویت قرار دادن واکسیناسیون و نجات مردم از مرگ، مشغول جنگ و جدل بر سر تقسیم ته مانده ثروتهای ملی بین اعوان و انصار خود و تحکیم موقعیت اقتصادی و سیاسی خود هستند. برای دولت روحانی در مقطع کنونی تقسیم ۶ هزار معدن و توسعه مناطق تجاری بر خرید واکسن و نجات مردم از مرگ ارجحیت دارد.

دولت روحانی در حال رفتن است، با این حال در تلاش است تا با استفاده از فرصت باقی مانده آنچه را که از اموال عمومی نتوانسته طی ۸ سال گذشته بین وابستگان جناح خود تقسیم کند، به سر انجام برساند و جای پای آنها را در بخش های اقتصادی محکم کند. بخشی از این تلاشها مانند گذشته در خفا صورت می گیرد که ابعاد آن برای مردم



فعلا روشن نیست و فقط از ما بهتران از آن مطلع اند. بخشی را نیز با ظاهر سازی های قانونی و استفاده از رانت دولتی انجام میدهند. در چنین مواردی جناح رقیب که خود مترصد فرصت است تا سهم خود را بگیرد با افشای برخی از گوشه های پنهان اقدامات سعی می کند مانع بر سر راه حریف قرار دهد. هفته گذشته یکی از اعضای کمیسیون امنیت ملی مجلس در گفتگویی که با خبرگزاری مهر انجام داد، پس از اشاره به این گونه تلاشها توسط عناصر وابسته به دولت، خبر از شروع تحقیق از کارخانه پتروشیمی "الوند" که به گفته وی متعلق به "اسحاق جهانگیری" است و تخلفاتی که در حین تشکیل آن صورت گرفته است توسط مجلس داد.

در چهارشنبه این هفته گزارشی در مورد مزایده ۶ هزار معدن در هفته های پایانی دولت روحانی توسط وزیر صمت و معدن در سایت بهار نیوز منتشر شد. در گزارش فوق الذکر رعایت مقررات مربوط به این مزایده مورد سوال قرار گرفته بود. و روز گذشته نیز گزارشی در مورد گسترش مناطق آزاد تجاری به ۱۵ مرکز توسط روزنامه رسالت به نقل از روحانی منتشر شد. روحانی انگیزه از گسترش مناطق آزاد تجاری صنعتی را که به اذعان خود او بیشتر عملکرد تجاری داشته اند، دور زدن تحریمها، ایجاد اشتغال و جلب سرمایه گذاری اعلام کرد. اما در عین حال اذعان نمود که این مناطق نا موفق بوده اند. رسالت به نقل از روحانی در جایی از گزارش خود نوشت: "در حال حاضر با وجود اینکه ۸ سال از عمر دولت می گذرد توسعه خاصی را در مناطق آزاد به طور مثال یکی از بزرگترین مناطق آزاد کشور یعنی جزیره قشم ندیده ایم. این جزیره در حالی مورد بی مهری و بی توجهی قرار گرفته است که برخلاف جزایر همجوار کشورهای عربی از قابلیت ها و ظرفیت های بسیار زیادی از جمله طبیعت خاص و تاریخی، ظرفیت های گردشگری و خاک حاصلخیز و وسعت فراوان برخوردار است. حال اما امید است که تکمیل پروژه هایی که دولت در سر دارد، طوری انجام شود که به سرانجام برسد."

با این اوصاف این پرسش پیش می آید که اگر این مناطق به اهدافی که برایشان در نظر گرفته شده نرسیده اند، در این صورت چه عاملی باعث شده که دولت در هفته های پایانی کارش با چنین عجله ای به فکر توسعه مناطق آزاد به گرداگرد کشور بیفتد. آیا این و همچنین به مزایده گذاشتن ۶ هزار معدن در هفته های پایانی مدت کار دولت بی ربط با منافع گروهی یا بقول عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس استفاده از فرصت و رانت قدرت جهت محکم کردن پای وابستگان دولت در اقتصاد کشور و مشابه واگذاریهای رانتی صدها موسسه اقتصادی و صنعتی به امثال امید اسدیگی ها نیست؟ آیا اولویت کنونی کشور و مردم واگذاری معادن و توسعه مناطق تولید ویران کن و تجارت آباد کن و کارگر زجرکش کن است یا خرید واکسن و نجات جان صدها انسان از مرگ در اثر کروناست؟ روحانی ناچارا به شکست مناطق آزاد تجاری در رسیدن به اهداف شان اذعان نموده، ولی از بلایی که در این مناطق به اصطلاح آزاد اما در واقع اردوگاه های کار اجباری بر سر کارگران شاغل در آنها بوجود آمده و تسلط مافیای حاکم بر آنها چیزکی هم نمی گوید. البته اختلاف جریانات رقیب روحانی با او بر سر این سیاستها نیست، بر سر سهم است. آنها نیز می خواهند همین سیاستها را پیش ببرند، چون نفع شان در آن است و خواهیم دید که دولت رئیسی فارغ از اینکه دولت یک دست محافظه کاران باشد یا دولتی ائتلافی همین نوع سیاستها را پیش خواهد برد. این دولت نه چیزی غیر از دست چینی از دست راستی های حکومتی خواهد بود و نه دولتی کارآمد تر از دولتهای گذشته.

به سرکوب سندیکاها کارگری پایان دهید!



تجربه تعاونی موندراگون بخش چهارم

خابیر باراندياران و خاوير نزاون



۱۹۷۶، موندراگون - دیدار لیدل کاسترو، رهبر کوبا از کارخانه لوله سازی مجتمع تعاونیهای موندراگون

ساختار سازمانی

چنان که پیشتر متذکر شدیم، تحول جنبش تعاونی موندراگون با تعقیب طرح از پیش حاضر و آماده ای صورت نگرفت و بازتاب یک فلسفه مدیریتی ثابت و شکل گرفته نبوده است. ساختارهای سازمانی آن بارها متحول شدند و به تناسب تغییرات در اوضاع اقتصادی، افزایش شمار تعاونیها و گسترش دامنه فعالیتهاشان، تغییر یافتند. با این حال در اواخر سالهای هفتاد قرن گذشته، یک ساختار سازمانی نسبتاً جاافتاده شکل گرفته بود که شامل یک سری مکانیسمهای استاندارد مدیریتی می شد که برای تمام تعاونیهای موجود، و نیز به هنگام ایجاد تعاونیهای جدید، به کار گرفته می شد.

هر تعاونی موجودیتی خودمختار، و قانوناً مستقل داشت، و عضویت آن در گروه تعاونیهای موندراگون تماماً و همیشه امری به اختیار خودش بود. کارگران عضو شرکتی را ایجاد می کردند و به این عنوان به گروه می پیوستند، یا با پرداخت سهم عضویت فردی خود، به عضویت آن در می آمدند. میزان سهم عضویتها از این شرکت تا آن شرکت متغیر بوده و میزان آن توسط مجمع عمومی هر تعاونی تعیین می شده است. مجمع عمومی عالیترین قدرت صاحب اختیار تعاونی است. مجمع به هر کارگر عضو امکان می دهد که بر پایه ای برابر - مبتنی بر اصل هر عضو یک رأی - در شکلهی به استراتژی شرکت، و در انتخاب ارگانهای هدایت کننده آن سهم گیرد.

اولین و مهمترین این ارگانها شورای حکام تعاونی است. این ارگان، متشکل از اعضای که در مجمع عمومی توسط کارگران انتخاب شده اند، ارگان دائمی مدیریت تعاونی است و وظیفه آن نظارت بر اجرای تصمیمات گرفته شده



توسط مجمع عمومی است. یکی از مسئولیتهای کلیدی شورای حکام انتخاب و انتصاب مدیرکل تعاونی است. مدیرکل تعاونی در بیشتر موارد از منابع بیرون از تعاونی مفروض، و گاه حتی از شرکتهای غیرتعاونی، است. مدیرکل و مدیر عامل در تعاونیهای بزرگ و متوسط شورای مدیریت را شکل می دهند. این شورا عهده دار هدایت امور روزمره تعاونی است، و از آن این انتظار می رود که در انطباق با تصمیمات شورای حکام عمل کند.

یک ارگان مهم دیگر در امر هدایت تعاونیها شورای اجتماعی آنهاست. این شورا، که متشکل از اعضای تعاونی است، توسط مجمع عمومی انتخاب می شود. شورای اجتماعی ارگانی مشورتی با وظیفه نمایندگی و دفاع از منافع اعضا به عنوان کارمندان شرکت مفروض است. انتظار از شورای اجتماعی این است که در برابر تمرکز مدیریتی شورای حکام و شورای مدیریت نوعی وزنه مقابل ایجاد کند. اهمیت فوق العاده کارکرد این ارگان وقتی روشن می شود که توجه کنیم تعاونیهای موندراگون اتحادیه های کارگری را به نمایندگی از کارگران عضو به رسمیت نمی شناسند. با این حال قدرت شورای اجتماعی و اقتداری که با آن اعضا را به عنوان کارمند نمایندگی می کند، در تعاونیهای مختلف بسیار متغیر است. کاسمیر (Kasimir) به سال ۱۹۹۶ تحقیق جالب در باره مناسبات موندراگون و رزمندگی کارگری در منطقه انجام داده است.

در آخر باید از یک کمیسیون نظارت نام ببریم که در برخی از تعاونیها وظیفه داوری و حسابرسی را به عهده دارد. البته امروزه کار حساس و تخصصی حسابرسی غالباً به شرکتهای متخصص سپرده می شود.

ارگانهای نامبرده ساختارهای هدایت را در یکایک تعاونیهای موندراگون تشکیل می دهند، اما، همچون در هر ساختار دیگری و در هر سازمانی، زندگی سازمانی روزانه در درون این ساختارها اشکال ویژه بسیاری به خود می گیرد. هر تعاونی منفرد غالباً از فرهنگ متمایز و جاافتاده خود برخوردار است. برای مثال، سطح مشارکت کارگران عضو در مدیریت روزانه تعاونی و هدایت شرکت، ای این تعاونی تا آن تعاونی بسیار متغیر است. در بسیاری از شرکتهای تعاونی حضور در مجمع عمومی ندرتاً از ۵۰ درصد اعضا تجاوز می کند؛ مگر آن که تصمیمگیری در باره موضوعات استراتژیک مهمی - مثلاً تدوین طرحی برای تأسیس یک شرکت تابعه خارجی - در دستورکار مجمع باشد. در غیر این صورت، یا در صورتی که موضوع تغییری ناگهانی در منابع و امکانات شرکت - اعم از مثبت یا منفی - در میان نباشد، اخذ تصمیمات استراتژیک به شورای حکام سپرده می شود و تمایل این شورا بر آن است که تصمیمات مهم را در مشورت با شورای اجتماعی بگیرد. به عبارت دیگر، این کیفیت در حالت بهینه اش، سیستم کارآ و مثبتی برای دموکراسی نمایندگی کارگران است که در مقایسه با سطح مشارکت کارگران و قدرت تصمیم گیری آنان در بنگاه های سرمایه داری، نمی توان آن را شاهکار تلقی کرد.

بیمه‌ی بیکاری برای بیکاران!



تداوم اعتصاب و مقاومت متحدانه کارگران نفت پیروزی آنها را رقم خواهد زد!

صادق



تداوم مبارزه، اتحاد و مقاومت متحدانه اعتصاب سراسری کارگران شرکت‌های پیمانکاری در سومین هفته خود حاکی از آن است که کارگران در اثر حفظ اتحاد و همبستگی و ایسادی روی خواسته‌های بر حق خود توانسته‌اند بر تلاش‌های اعتصاب شکنانه کارفرمایان، دولت و عوامل آنها فائق آیند و دست بالا را در اعتصاب داشته باشند. کارفرمایان که در هفته اول و دوم این اعتصاب تاریخی تلاش می‌کردند با توسل به تهدید و اخراج، ندادن دستمزد ها و قرار دادن نام کارگران مبارز در لیست سیاه به اعتصاب آنان پایان دهند، با مشاهده شکست تلاش‌های خود و طولانی شدن اعتصاب، تاکتیک خود را تغییر دادند. در تعدادی از شرکتها کارفرمایان تاکتیک عقب نشینی در مقابل خواسته‌های اعتصابیون را در پیش گرفتند و با مراجعه به کارگران برای گفتگو با آنها اعلام آمادگی کردند و به آنها گفتند برای پذیرش بخشی از مطالبات آنها آمادگی دارند. قصد آنها این بود که با این تاکتیک بین کارگران شکاف ایجاد کنند و کمر اعتصاب را به خیال خودشان بشکنند. این تاکتیک خوشبختانه در اثر هوشیاری کارگران نیز بی اثر ماند.

دولت هم که از ابتدا تظاهر به بی طرفی در این اعتصاب می‌کرد، با فرستادن مدیرکل اداره کار استان بوشهر به میدان عملاً مجبور به تغییر تاکتیک اولیه خود شد. کشاورزی مدیر کل اداره کار، سعی کرد با دادن "مژده" تشکیل انجمن‌های صنفی به کارگران و فراهم نمودن امکان مذاکره بین کارگران و کارفرمایان و قول تنبیه و مجازات کارفرمایان متخلف، به زعم خود در کار اعتصاب اخلال ایجاد کند. با این حال این هم حاکی از عقب نشینی دولت از مواضع گذشته‌اش و پیروزی دیگری برای اعتصابیون بود و نشان داد که کارگران متحد می‌توانند با مبارزه و مقاومت روی خواسته‌هایشان ضد کارگری ترین رژیم‌ها را هم وادار به تغییر رویه و حتی سیاست‌هایشان کنند. عوامل دیگری نیز در این عقب نشینی‌های ملموس موثر بودند. پیوستن شمار قابل توجهی از کارگران به اعتصاب، حمایت قابل توجه مردم، نهادهای مدنی و سندیکایی، روشنفکران و نیروهای سیاسی اپوزیسیون، اتحادیه‌های کارگری بین‌المللی، زیانهای اقتصادی دولت و کارفرمایان و پیامدهای سیاسی-اجتماعی اعتصاب برای هر دو و شرایط بحرانی کشور عواملی هستند که هر یک به نوبه و سهم خود نقش داشته و دارند. کامیابی نهایی این اعتصاب



و کاهش تهدیدات آتی که همچنان وجود دارد، منوط به گسترش این حمایتها، تقویت رهبری اعتصاب و حفظ اتحاد و مقاومت اعتصابیون است.

روشن است که طرف کارگران در این اعتصاب دولت و کارفرمایان هستند و خوشبختانه رهبری اعتصاب آنقدر هوشیار و مسلط به مسایل است که اجازه نخواهد داد سمت مبارزه به سوی دیگری منحرف شود. کارگران از طریق اعتصاب می توانند به بخشی از حقوق و مطالبات شان برسند، ولی تجربه نشان داده که حفظ و ارتقاء دست آوردهای مبارزاتی کارگران بدون داشتن تشکل کارگری مستقل و نیرومند برای مدتی طولانی ممکن نیست. تجربه همه اتحادیه ها و سندیکا هایی که در این چند هفته با ارسال پیام های حمایت و همبستگی از این اعتصاب پشتیبانی کرده اند نیز موید این واقعیت است.

عوامل حکومت می کوشند با تشکیل شوراهای اسلامی و تشکلهای صنفی فرمایشی جای خالی تشکلهای مستقل کارگری را پر کنند و مانع تشکیل اتحادیه های مستقل و موثر کارگری شوند. بهمین جهت تلاش برای تشکیل تشکلهای مستقل اهمیت اساسی دارد.

رهبری اعتصاب با هدایت هوشمندانه و اتخاذ مواضع به موقع و درست در حفظ اتحاد و مقاومت کارگران اعتصابی، و خنثی کردن اقدامات اعتصاب شکنان نقش تعیین کننده ای به عهده داشته است. آنها در ۶ بیانیه که تا کنون منتشر کرده اند شرط و شروط خودشان در مورد، مذاکره و مسائل مربوط به اعتصاب را اعلام کرده اند، هیچ کدام از خواسته های کارگران نه نا معقول اند و نه عملی کردن آنها برای دولت و کارفرمایان دشوار است. خواسته های اعتصابیون به قراری که در بیانیه شماره ۶ آنها آمده اند عبارت اند:

– افزایش دستمزدها بر اساس ارقام پیشنهادی ما برای رده های مختلف تخصصی و اینکه هیچ کارگری نباید کمتر از ۱۲ میلیون مزد بگیرد، دائمی شدن قراردادهای کاری و داشتن امنیت شغلی، پرداخت بموقع دستمزدها در هر ماه، ایمن شدن محیط های کار و تجهیز مراکز کاری و کمپ ها به دستگاههای تهویه هوا، بهبود اساسی وضعیت کمپ ها و اماکن عمومی دیگر همچون دستشویی ها و حمام ها و اختصاص غذا خوردی مناسب برای کارگران در تمام کمپ ها، ایجاد امکانات درمانی در محیط های کار و برخورداری کارگران از بیمه درمان رایگان، خطوط پایه ای توافقات سراسری ما کارگران در مذاکراتمان خواهد بود. خواست اساسی ما برچیده شدن بساط پیمانکاران و لغو قوانین برده وار مناطق ویژه اقتصادی است و تحمیل این مطالبات به معنای زیر فشار قرار دادن پیمانکاران و ایجاد زمینه برای برچیده شدن بساط آنهاست. ما با پافشاری بر خواسته هایمان میتوانیم عرصه را بر پیمانکاران تنگ کنیم و اعلام میکنیم که همین امروز دولت باید ناظر اجرای همه توافقاتی باشد که در مذاکرات با کارفرمایان صورت میگردد. "

بهر روی دولت و کارفرمایان بواسطه زیانهای که بواسطه این اعتصاب و طولانی شدن آن به آنان وارد می شود طبعا تلاش خواهند کرد به طریقی به این اعتصاب زودتر پایان دهند و هیچ راهی بهتر از این نیست که این کار را از طریق پذیرفتن مطالبات مشروع کارگران و مذاکره با آنها انجام دهند

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



در سومین هفته اعتصاب سراسری کارگران شرکتهای پیمانکاری فعال در صنعت نفت، اعتصابات و اعتراضات کارگری نیز افزایش چشمگیری یافت و موجی از اعتراضات گروه‌های زحمتکش و تحت ستم شهرهای بسیاری را در بر گرفت. کارگران و زحمتکشان که باور خود به وعده‌های بی‌پشتوانه مقامات و نهادهای حکومتی را مدت‌هاست از دست داده و اعتباری برای هیچ‌یک از آنها قائل نیستند، روز به روز بیشتر در می‌یابند که چاره کارشان در دست خودشان است و تنها خود آنها هستند که شانه به شانه یکدیگر با وحدت و همبستگی و به چالش کشاندن مسئولین فاسد و نالایق و سیاستهای آنها در کف خیابانها هاست که می‌توانند زمینه تغییرات اساسی در وضعیت خود و کشور را رقم بزنند.

هم از این رو است که همه تلاشهای فریبکارانه نهادهای حکومتی از رئیس‌جمهور و وزیر نفت گرفته تا مجلس و وزارت کار برای بازگرداندن کارگران نفت و دیگر رشته‌های شغلی با شکست مواجه می‌شود. حالا دیگر همه فهمیده‌اند که عامل اصلی همه مصیبت‌هایی که بر مردم و کشور می‌رود خود این جماعت حاکم هستند که توانایی حل بحران‌هایی را که آفریده خودآنهاست ندارند. افزایش همه‌روزه مشکلات اقتصادی و معیشتی بر اکثریت مردم به همراه یقین آنها نسبت به ناتوانی حکومت در رفع انبوه مشکلات مردم محرکهایی هستند که در فراگیر شدن فزاینده اعتراضات خیابانی و اعتصابات مردم به جان آمده نقش مهمی دارند. محرکهایی که هیچ‌کدام از جناح‌های حکومتی برنامه و راه حل کارگشایی برای آن ندارند. که اگر داشتند کار مردم و مملکت به اینجا که هست نمی‌کشید.

اینک گستردگی و عمق نارضایتی و اعتراضات مردم به حدی رسیده است که با استفاده از ابزار آلات تا کنونی سرکوب و مهار آنها ممکن نیست. جامعه اینک بیش از هر زمانی در ۴۲ سال گذشته وضعیت جنبشی پیدا نموده است. وضعیتی که نهرئسی و نه سرداران سپاه و نه هیچ جریانی حکومتی دیگری قادر به دگرگون نمودن آن نیست. عقب‌نشینی کارفرمایان و واکنش شورای هماهنگی اعتصاب به عده‌ای از کارفرمایان شرکتهای پیمانکاری که موفق نشدند باتهدید و اخراج کارگران شان و بکارگیری ترفندهای دیگر موفق به شکستن اعتصاب کارگران نشده‌اند و از طولانی شدن اعتصاب بخاطر قطع سوده‌های خود نگران‌اند، با مراجعه به کارگران خواهان مذاکره با آنها شدند. کارگران اما مذاکره تک به تک را رد کرده و خواستار مذاکره دسته‌جمعی و توافق دسته‌جمعی شدند.



شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت که هدایت و هماهنگی اعتصاب را به عهده دارد در واکنش به درخواست این عده از کارفرمایان در پنجمین بیانیه خود نوشت: "هرگونه پیشنهاد از سوی کارفرمایان باید رسمی، کتبی و علنی و همراه با تعهد برای پرداخت به موقع دستمزد کارگران باشد."

تجمع کارگران پارس جنوبی

کارگران پیمانکاری نفت در منطقه‌ی پارس جنوبی به نوشته خبرگزاری ایلنا در تجمع اعتراضی که در ۱۶ تیر در میدان کاکتوس برگزار کردند نسبت به سخنان وزیر نفت در کمیسیون انرژی مجلس به دلیل نادیده گرفتن مطالبات قانونی خود اعتراض و درخواست‌های خود در این تجمع تاکید کردند.

گفتنی است که زنگنه وزیر نفت دولت روحانی در مصاحبه‌ای که بعد از تشکیل کمیسیون انرژی مجلس که با حضور نمایندگان سه قوه و نهادهای امنیتی جهت بررسی اعتصاب کارگران نفت تشکیل شد، خواسته‌های اعتصابیون را فرا قانونی خوانده و تلویحا به کارگران جواب رد داده بود.

سخنان زنگنه با خشم و اعتراض گسترده‌ی کارگران پیمانکاری ها مواجه و باعث انزجار آنها شد. تجمع کارگران در منطقه پارس جنوبی نیز از جمله واکنشهایی است که تا کنون نسبت به موضع زنگنه به عمل آمده است.

ادامه اعتراضات در هفت تپه با وجود گذشت قریب دو ماه از صدور حکم خلع ید از مالک اختلاسگر و مجرم هفت تپه، اما هنوز اعتراض و اعتصاب در این مجتمع بزرگ صنعتی - کشاورزی خاتمه نیافته است. کارفرمای خلع ید شده در این مدت با تحریک و فشار بر کارگران در برانگیختن اعتراضات نقش اصلی را به عهده دارد. مقصود از این تحریکات اخلال در تولید و تخریب کارخانه قبل از ترک آن توسط امید اسد بیگی، شرکا و حامیان دولتی و حکومتی او است. همه آنها که از خلع ید ناراحت هستند در ماه‌های بعد از خلع ید با استفاده از قدرت و نفوذشان در تلاشند با مختل کردن کارخانه زمینه بازگرداندن آن به اسد بیگی و شرکا را مهیا کنند. امتناع از پرداخت دستمزدها و تمدید نکردن قراردادها جزئی از اقدامات آنهاست. اعتصاب کارگران بخش دفع آفات که از دو هفته پیش شروع شد و هنوز ادامه دارد واکنشی به امتناع مدیریت کارخانه از تمدید قرارداد هاست.

ادامه اعتراض و اعتصاب در میان کارگران فنی خطوط راه آهن

اعتصاب و اعتراض در میان کارگران ابنیه فنی که وظیفه سنگین مراقبت و تعمیرات ریل‌های راه آهن را به عهده دارند همچنان ادامه دارد و هر از چندگاهی یک عده از آنها به دلیل مطالبات صنفی برآورده نشده شان دست به اعتصاب می زنند. کارگران فنی راه آهن در یکی دو سال اخیر ده‌ها بار در مناطق مختلف ناگزیر به اعتصاب شده‌اند. آنها نیز کارگران پیمانی هستند و یکی از خواسته‌های اساسی آنها مانند کارگران نفت استخدام مستقیم و رسمی توسط شرکت سراسری راه آهن است. در ۱۶ تیر کارگران ابنیه فنی در آذربایجان به دلیل پرداخت نشدن منظم و به موقع دستمزدها و سایر مطالبات صنفی شان اعتصاب کردند.

فشار و تبعیض کارکنان بخش سلامت قم را برای اعتراض به تهران کشاند

نارضایتی و اعتراض نسبت به رفتار کارفرمایان و دولت محدود به کارگران نمانده است. تمام گروه‌های زحمتکش و مزد بگیر نیز از بی حقوق، فشار و انواع تبعیضاتی که از ناحیه دولت و کارفرمایان بر آنها روا داشته می شود به ستوه آمده اند و به هر شکلی که برایشان ممکن باشد علیه آن اعتراض می کنند.

پرستاران و کارکنان بخش درمانی یکی از گروه‌های مزد بگیر هستند که با وجود شغل دشوار، سنگین و پر مخاطره شان از هر لحاظ مور تبعیض و ستم قرار دارند و دستمزد بسیاری از آنها اگر از کارگران کمتر نباشد بیشتر هم نیست. در این هفته حداقل سه مورد اعتراض از طرف پرستاران و کارکنان بخش درمان صورت گرفت.



در یک مورد پرستاران تامین اجتماعی، در (سه‌شنبه، ۱۵ تیرماه) برای رسیدگی به حقوق خود مقابل ساختمان مرکزی سازمان تامین اجتماعی تجمع کردند. مورد دوم اعتصاب جمعی از نیروهای خرید خدمت اورژانس اجتماعی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای شان بود. جمعی از نیروهای شرکتی پایگاه‌ها و مراکز خدمات جامع سلامت استان قم نیز با خواسته‌ی تبدیل وضعیت با سفر به تهران مقابل ساختمان وزارت بهداشت و مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

البته اینها تنها اعتراضاتی هستند که خبر آنها در خبرگزاری دولتی ایلنا منتشر شده‌اند. تعداد اعتراضاتی که خبری در مورد آنها منتشر نمی‌شود بسیار بیشتر هستند. ظرفیت اعتراض نیز در میان پرستاران و کارکنان بخش درمان بسیار بالاست. همین که عده‌ای از آنها برای نشان دادن اعتراض شان از قم به تهران سفر می‌کنند، خود از عمق نارضایتی و سر ریز شدن صبر آنها از شرایط شغلی و دستمزدهای ناچیز آنها حکایت دارد. دستمزدهایی که هزینه نیمی از خورد و خوراک آنها را هم تامین نمی‌کند!

تجمع دوباره کارگران شهرداری خرمشهر

ظلم و جفا به کارگران زحمتکش شهرداری‌ها که با دستمزدهای اندک کار سخت و پر مخاطره پاکیزه و مرتب نگاه داشتن شهرها را به عهده دارند توسط شهرداریها و شرکتهای پیمانکاری که کارگران شهرداری را بکار میگیرند حد مرزی نمی‌شناسد. هیچ هفته‌ای نیست که کارگران شهرداری چند شهر به دلایل مختلف و بیشتر از همه بخاطر ندادن دستمزد هایشان اعتراض و اعتصاب نکنند. در هفته گذشته خبر اعتصاب کارگران شهرداری بیجار را داشتیم، در این هفته از تجمع اعتراضی کارگران شهرداری خرمشهر بخاطر نگرقتن چند ماه دستمزد خبر دار شدیم. عجیب اینکه مسئولین دولتی و نهادهایی مانند ادارات کار که موظف به نظارت بر اجرای قوانین کار و حقوق کارگران را از لحاظ قانونی به عهده دارند، هیچ اقدامی برای احقاق حق این کارگران نمی‌کنند و انگار نه انگار که وجود دارند!

صداهای دادخواهی زحمتکشان و گوشهای بسته مسئولین

کارگران کارخانه شیشه سازی کاوه فلوت واقع در شهر ساوه در این هفته بعد از بی نتیجه ماندن این در و آن در زدن هایشان به نهادهای ذیربط برای رساندن فریاد دادخواهی شان، در مقابل اداره کار ساوه تجمع و خواستار رسیدگی این اداره به شکایت و رفع مشکلاتشان شدند.

مشکل این کارگران پرداخت نشدن حق بیمه مخصوص کارگرانی است که کارشان از نظر قانون سخت و زیان آور محسوب گردیده و پنج سال زودتر از سایرین بایستی بازنشسته شوند. کارفرما مبلغ ۴ درصد ماهانه ای را که قرار بوده از این بابت به حساب تامین اجتماعی واریز کند نکرده و خبرش را هم درز نداده است. نتیجه این شده که این گروه از کارگران چون پول بیمه شان پرداخت نشده نمی‌توانند از این قانون استفاده کنند.

مقصر اصلی اما اداره کار است که سکوت نموده و به کارگران هم اجازه تشکیل اتحادیه و سندیکا جهت نظارت بر رعایت حقوق کارگر نداده و نمی‌دهد. خود کارگر نیز البته سهمی از این تقصیر را به خاطر کم توجهی به پیگیری حقوق اش را به عهده دارد. چرا که اگر اتحادیه داشت کارفرما نمی‌توانست به این راحتی سرش کلاه بگذارد.

تجمع اعتراضی کارگران خط پنج متروی تهران

کارگران خط پنج متروی تهران در ۱۵ تیر در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات مزدی و حق بیمه شان در ایستگاه هشتگرد تجمع کردند و خواستار پرداخت مطالبات خود شدند. گفتنی است که این کارگران تا کنون چند بار دیگر بهمین خاطر اعتراض کرده‌اند ولی هنوز به خواسته هایشان نرسیده‌اند. این کارگران که تعدادشان ۱۵۰ نفر



هستند به خبرنگار ایلنا گفته‌اند از فروردین تا کنون شرکت پیمانکاری که برای آن کار می‌کنند دستمزدها آنها را پرداخت نکرده است.

نهاد های امنیتی مانع بازگشت به کار پنج کارگر اخراجی شرکت اتوبوسرانی می‌شوند به نوشته کانال تلگرامی سندیکای کارگران شرکت واحد، مراجعه پنج کارگر اخراجی شرکت واحد که مدتها پیش از کار اخراج شده‌اند به وزارت کار برای بازگشت به کار بی نتیجه بوده‌است. به نوشته کانال تلگرامی واحد: " این کارگران با دستور فراقانونی نهادهای امنیتی اخراج از کار شده‌اند و هیات‌های حل اختلاف اداره کار رسیدگی قانونی به پرونده آنان نکرده و صرفاً دستورات فراقانونی را اجراء کرده‌اند". در واقع علت اخراج همه این پنج کارگر " رضا شهابی، حسن سعیدی، ناصر محرمزاده، حسین کریمی سبزواری، فرحناز شیرینی"، فعالیت سندیکایی بوده است

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می‌توانید در**

آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



دولت باید معاش تهی‌دستان و آسیب‌دیدگان کرونا را

تامین کند!